

تحلیل جریان جهانی شدن با استفاده از شاخص کوف در ایران و مقایسه با کشورهای خاورمیانه

* نادر زالی

** اسماعیل قاسمی

*** سید حسین مرتضوی

**** نیر ابراهیمی

چکیده

این مقاله به بررسی شاخصهای جهانی شدن در سه زمینه اقتصادی اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. از مهم‌ترین شاخصهای تدوین شده برای ارزیابی میزان جهانی شدن می‌توان به شاخصهای فارین پالیسی، بنیاد هریتیج و شاخص مؤسسه فریزر اشاره نمود که هر کدام به شیوه‌ای خاص تنیدگی روابط اجتماعی بین کشورهای دنیا را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. اما

* دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه گیلان، دانشکده هنر و معماری (n.zali54@gmail.com)
** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد دهقان.
*** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد زنجان.
**** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد تبریز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۴
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۹۳-۱۶۱.

یکی از مهم‌ترین شاخصهای مطرح در جهان در این زمینه، که از سال ۲۰۰۲ ارائه شده است شاخص جهانی شدن کوف است این شاخص با وجود برخی کاستی‌ها از مطلوبیت زیادی در محافل سیاسی و اقتصادی جهان برخوردار است و برای محاسبه درجه جهانی شدن کشورها در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این شاخص ارجاع می‌شود. در این تحقیق تلاش می‌شود روند تغییرات این شاخص بین کشورهای آسیایی با محوریت ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و وضعیت ایران به عنوان کشوری با جغرافیای سیاسی بسیار مهم در منطقه مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد تمام کشورهای مورد مطالعه در طول سالهای گذشته به راحتی در جریان جهانی سازی توسط غرب هضم شده‌اند و همسویی مشابهی بین کشورها در این زمینه وجود دارد ولی ایران با حفظ استقلال کامل در مقابل جریان جهانی سازی مقاومت کرده و هویت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را با وجود استفاده از نکات مثبت جهانی شدن حفظ کرده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، ایران، شاخص کوف، کشورهای خاورمیانه.

۱. مقدمه

جامعه امروزی در حال تجربه پدیده‌ای به نام «جهانی شدن»^۱ است و در برابر آن به انحاء گوناگون واکنش نشان می‌دهد. در جریان فرایند جهانی شدن و جهانی سازی، برخی مدیران می‌کوشند تا این پدیده نوظهور را نادیده بگیرند و به شیوه‌های معمول خود ادامه دهند گروهی دیگر تلاش می‌کنند تا با نفی جهانی شدن در برابرش بایستند و نگذارند وارد جریان آرام حیات سازمانی آنان گردد، و سرانجام عده‌ای سعی دارند تا با شناخت واقعی این پدیده و بهره برداری از مزیت‌های آن بر تهدیدات آن فائق آمده و به یاری آن در تحقق اهداف خود کارآمدتر و موثرتر عمل کنند.

از نظر فکری گروهی از اندیشمندان، جهانی شدن را مترادف غربی شدن^۲ دانسته‌اند و این باور را ترویج کرده‌اند که کشورهای غربی اهتمام می‌کنند تا دیگر کشورها را به شکل خود درآورند، فرهنگ و خصوصیات اجتماعی و ارزشی آنها را از بین ببرند و فرهنگ و شیوه زندگی غربی را به آنان تحمیل نمایند. جهانی شدن را به این تعبیر جهانی سازی یا جهانی کردن نامیده‌اند.

گروهی دیگر، این پدیده به نیرویی توسعه دهنده، رفاه بخش، پیام آور صلح و دوستی و ارتقاء دهنده دانش و فناوری و ایجادکننده دموکراسی و آزادمنشی تعبیر شده کرده‌اند. در جهانی شدن هر کشوری در یک جامعه جهانی از مزیت‌ها و امکانات گسترده‌تر خدمات علمی و فنی و بهداشتی و امنیتی و زیست محیطی برخوردار می‌شود و همکاری و نزدیکی ملتها و کشورها با هم به کاهش

1. Globalization

2. Westernization

منازعات و بهره‌وری بیشتر از منابع و مبارزه جدی‌تر و همه‌جانبه‌تر با عوارض مخرب دنیای امروز منجر می‌گردد. امروزه مسائلی در زمینه‌های امنیتی، بهداشتی، زیست محیطی و سیاسی در جهان بوجود آمده است که راه حل آنها فراتر از حوزه اقتدار و اختیارات یک دولت یا یک کشور خاص است و غلبه بر آنها مستلزم یک عزم جهانی و اراده جمعی همه کشورها و ملت‌هاست تا به کمک هم در رفع و مقابله با آنها اقدام نمایند. در چنین شرایطی پیوستن به جرگه جهانی‌ها و در صف آنان قرار گرفتن یک ضرورت و الزام و یک فرصت و امکان برای غلبه بر مشکلات است.

۱-۱ بیان مسئله

پدیده جهانی شدن یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات فراروی کشورها در عصر حاضر است که در مورد آن اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و بررسی آثار و پیامدهای گسترده این فرایند بر ابعاد مختلف حیات انسانی توجه خاص اندیشمندان، سیاستمداران، اقتصاددانان و متولیان فرهنگی جهان را به خود جلب کرده است (دادگر، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

این واژه به عنوان مناقشه‌آمیزترین موضوع علوم سیاسی و اجتماعی بعد از دهه ۱۹۹۰ هنوز دارای تعریفی جامع و فراگیر نیست و همچنان پیرامون تعریف آن مشاجرات و ابهامات فراوانی مشاهده می‌شود. برخی نویسندگان، جهانی شدن را «مرحله‌ای از سرمایه داری» و یا «مدرنیته اخیر» خوانده و برخی آن را «یک راه جدید تفکر» معرفی کرده‌اند (Scholts, 2000: 15). با اینحال گاه با تعاریفی نسبتاً دقیق مواجه می‌شویم که آنها نیز نمی‌توانند ابهامات پیرامون این کلمه را کاملاً بزدايند و علیرغم برخی همپوشانی‌ها، بسیار متفاوت و مختلفند. (ادواردز، ۱۳۷۸)

جهانی شدن به معنی تراکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در واقع جهان به مثابه یک مکان واحد قلمداد می‌گردد که در آن جوامع مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگتر بپذیرند اگر چه پدیده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح شده ولی همه نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دستخوش تغییر و تحول کرده و این نظام‌ها نیز به نوبه خود جهانی شدن

در حوزه اقتصاد را تقویت نموده‌اند (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۰).

شرایط امروز جهانی که با ادغام بیشتر فعالیتهای اقتصادی و سیاسی و ضعیف‌تر شدن مرزها روبه‌روست، جهانی شدن و آثار و عوارض آن به عنوان یک پدیده در سیاستگذاری توسعه ملی رخ نشان می‌دهد. به عبارت ساده‌تر ارائه تصویر توسعه کشور بدون ارتباط و هماهنگی با نظام جهانی، تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد و به نظر می‌رسد باید به طور مستمر فرآیند جهانی شدن به عنوان ابزاری مهم در مسیریابی توسعه مورد بازبینی، بررسی و رصد قرار گیرد. در این صورت لازم است که شاخصی در اختیار سیاستگذاران قرار گیرد که از آن راه بتوانند ضمن ارزیابی جایگاه جهانی شدن، سیاست‌های لازم را برای تسهیل امر توسعه متناسب با منافع ملی اعمال کنند.

اما سوال این است اگر جهانی شدن معادل افزایش وابستگی متقابل اجزاء دور از هم اعم از انسانها، کشورها، شرکتها و غیره است پس چگونه می‌توان این سطوح وابستگی متقابل را اندازه‌گیری کرد؟ میزان مشارکت یک کشور خاص از جنبه‌های مختلف در فرآیند جهانی شدن چگونه مشخص می‌شود؟ و بالاخره چگونه می‌توان دریافت که آیا در دنیای واقعی، جهانی شدن در حال گسترش و پیشرفت است یا بر عکس. بدون تردید، ارائه پاسخ منطقی به اینگونه سوالات مستلزم در اختیار داشتن شاخص مناسب از جهانی شدن می‌باشد تا کشورهای مختلف بر اساس آن سنجیده و مورد مقایسه قرار گیرند.

از مهم‌ترین شاخصهای تدوین شده برای ارزیابی میزان جهانی شدن می‌توان به شاخصهای فارین پالیسی ۱، بنیاد هریتیج ۲ و شاخص مؤسسه فریزر ۳ اشاره نمود که هر کدام به شیوه‌ای خاص تنیدگی روابط اجتماعی بین کشورهای دنیا را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (طیب نیا، ۱۳۸۸: ۵۷). اما یکی از مهم‌ترین شاخصهای مطرح در جهان در این زمینه، که از سال ۲۰۰۲ ارائه شده است شاخص جهانی شدن کوف^۴ است این شاخص با وجود برخی کاستی‌ها از مطلوبیت زیادی در محافل سیاسی و

1. Foreign Policy
2. Heritage Foundation
3. Fraser Institute
4. KOF

اقتصادی جهان برخوردار است و برای محاسبه درجه جهانی شدن کشورها در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این شاخص ارجاع می‌شود. در این تحقیق تلاش می‌شود روند تغییرات این شاخص بین کشورهای دنیا مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و وضعیت ایران به عنوان کشوری با جغرافیای سیاسی بسیار مهم در منطقه مورد تحلیل قرار گیرد.

۱-۲- ضرورت تحقیق

جهانی شدن پدیده نوظهور عصر حاضر است و لزوم توجه به ابعاد مختلف آن برای ممانعت از تهدیدات حاصل از آن بر منافع ملی کشور بسیار ضروری است بخصوص برای کشوری مثل ایران که از تاریخ، ایدئولوژی و فرهنگ غنی تری نسبت به سایر کشورها برخوردار است ضروری است تا فرایندهای جهانی شدن با حساسیت‌های لازم رصد شده و سیاست‌گذاری متناسب ملی با لحاظ تهدیدات و فرصتهای مترتب صورت گیرد. این تحقیق می‌تواند ضمن مقایسه وضعیت ایران در خصوص میزان جهانی شدن با سایر کشورهای جهان، نشان دهد چه بخشهایی از اقتصاد، سیاست و یا جامعه ایران بیشتر یا کمتر جهانی شده و مسائل و تبعات آن چه می‌تواند باشد.

ایران مدتهاست که یکی از اهداف اصلی جهانی شدن در نظر گرفته می‌شود. اهمیت نفوذ کامل در ایران، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی و اقتصادی آن، از دو جهت دیگر نیز قابل توجه است: از یک سو ایران ضمن برخورداری از تاریخ و تمدن غنی با پیشینه چند هزار ساله یکی از ارکان اصلی فرهنگ و اندیشه شرقی و نیز پایگاه اصلی تشیع و یا به عبارتی کانون عقلانیت اسلامی به شمار می‌رود؛ از دیگر سو، انقلاب اسلامی ایران یکی از قدرتمندترین رقبای روند جهانی شدن و منشا اصلی مقاومت اسلامی در برابر آن می‌باشد. بنابراین فتح ایران در نگاه طراحان جهانی سازی، در واقع فتح همزمان شرق و جهان اسلام قلمداد می‌گردد. گرچه در حال حاضر تاثیر پذیری کشورمان از امواج جهانی شدن را نمی‌توان انکار کرد ولی روند و میزان آن در بخشهای مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است که این تحقیق به دنبال شفاف سازی در این زمینه است.

۳-۱- اهداف تحقیق

هدف این تحقیق رصد شرایط جهانی ایران در فرایند جهانی سازی است که در قالب اهداف زیر تحقق پیدا خواهد کرد.

- ارزیابی شاخص جهانی شدن ایران در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
- مقایسه شاخص جهانی شدن ایران با سایر کشورهای خاورمیانه

۴-۱- سؤالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق این است که در فرایند جهانی شدن کشورهای، در حال حاضر ایران چه وضعیتی نسبت به سایر کشورهای منطقه خاورمیانه دارد؟ در قالب این سوال کلی، سوالات ویژه زیر نیز مد نظر می باشد.

- شاخص جهانی شدن سیاسی ایران نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه و منطقه در چه وضعیتی است؟

□ اقتصاد ایران در مقایسه با سایر کشورها تا چه حد در جریان جهانی سازی حل شده است؟

- وضعیت اجتماعی ایران در فرایند جهانی سازی نسبت به سایر کشورها در چه وضعیتی است؟

۲. مبانی نظری

در مورد واژه جهانی شدن بعنوان واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی و یکی از مناقشه آمیزترین موضوعات، تاکنون تعریفی جامع و فراگیر که دربردارنده کلیه جوانب این پدیده باشد و مورد اتفاق نظر صاحب نظران باشد ارائه نشده است و همچنان پیرامون تعریف آن مشاجرات و ابهامات فراوانی مشاهده می شود.

اولین برداشت معمول از جهانی شدن در بخش اقتصاد اتفاق افتاد که معنایی مترادف با «بین‌المللی شدن» است که رشد مبادلات و تعاملات بین‌المللی را مد نظر قرار می دهد. پال هرست و گراهام تامپسون^۱ جهانی شدن را جریانات وسیع و رو به رشد تجارت و سرمایه گذاری بین کشورهای تعریف کرده اند. در دومین کاربرد،

1. Hirst and Thompson

جهانی شدن اقتصاد معادل «آزادسازی»^۱ ملاحظه شده است. در این نگرش، جهانی شدن به «فرایند حذف محدودیتهای تحمیل شده از ناحیه دولت بر روابط خارجی کشورها به منظور دستیابی به یک اقتصاد جهانی باز و بدون مرز» اشاره دارد (Scholte, 2000:15).

پراتون^۲، جهانی شدن را فرایندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگها را افزون می‌نماید. به نظر وی جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است و همچنین فعالیتهای اجتماعی همچون محیط زیست را متأثر می‌کند (بهکیش، ۱۳۸۰) و به نظر مالکوم واترز^۳ جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند (بهکیش، ۱۳۷۹). برخی دیگر جهانی شدن را معادل غربی سازی^۴ یا تجدید^۵ بویژه در شکل امریکایی آن دانسته‌اند. در این معنا جهانی شدن پویشی است که طی آن ساختارهای اجتماعی مدرنیته (سرمایه داری، عقلگرایی، صنعتی شدن، دیوانسالاری و...) در سرتاسر جهان گسترش می‌یابد و فرهنگهای قدیمی و پایبستههای بومی نابود می‌گردند. مارتین خور^۶ معتقد است که جهانی شدن در این معنا، همان چیزی است که چندین قرن در جهان سوم مستعمره سازی^۷ خوانده می‌شد (جانسون، ۱۳۷۹).

در مقابل جهانی شدن، اصطلاح جهانی سازی واژه‌ای است که از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است و برای توصیف تغییراتی که در فرهنگ جوامع و اقتصاد جهانی بر اثر افزایش روزافزون تجارت بین‌المللی و مبادلات فرهنگی بوجود می‌آیند استفاده می‌شود. در مفهوم تخصصی اقتصادی که یکی از شقوق آن است

1. Liberalization
2. Perraton
3. Malcom Waters
4. Westernization
5. Modernization
6. Martin Khor
7. Colonization

این اصطلاح بیشتر مواقع برای توصیف آثار اقتصاد بازار و به ویژه آزادی اقتصاد بازار است. یکی از جنبه‌های تعیین‌کننده، و شاید تعیین‌کننده‌ترین جنبه جهان‌سازی، آزادسازی مالی باشد (مرتضوی، ۱۳۷۳: ۸۷)

«جهانی‌شدن» برعکس مفهوم «جهانی‌سازی»، مفهومی بی‌طرف و خنثی است. جهانی‌شدن نه یک پروژه بلکه یک فرایند است. فرایندی که همه بازیگران سیاسی و بین‌المللی درگیر آن هستند و در آن مشارکت می‌کنند. جهانی‌شدن فرایندی یک طرفه نیست بلکه عرصه‌ای مشارکتی و عمومی است، فرایندی گشوده است تا هر بازیگری به اندازه وسع و توان خود، هم خود را پیروانند و هم در جریان‌های کلان سیاسی و بین‌المللی مشارکت نماید.

حداقل دو تا نظر عمده درباره تاریخ جهانی‌شدن وجود دارد. عده‌ای را عقیده بر این است که این پدیده دارای قدمت تاریخی چند صد ساله می‌باشد و دیگران آن را پدیده‌ای نو می‌شمارند. (نجیمی بهرمان، ۲۰۰۸)

الف - نظریه اول یا قدمت تاریخی جهانی‌شدن

جانبداران نظریه قدمت تاریخی به این باورند که پروژه جهانی‌شدن از حدود ۴۰۰ سال قبل آغاز گردید. این پدیده با جریان مدرنیسم هم‌ریخت شده زیرا از جمله شاخصه‌های مدرنیته یکی هم همگانیت و جهانی‌گیری^۱ آن می‌باشد، که یک فرآیند برگشت ناپذیر است. مدرنیسم پدیده و جریانی بود که در غرب آغاز شد؛ جهان را درنوردید؛ به مانند یک انقلاب همه چیز را زیر و زبر کرد و همگانیت شد.

بر اساس دیدگاه طرفداران این نظریه، تکنولوژی و فنونی که ما امروز شاهد آن هستیم، از لحاظ فلسفی نتیجه افکار «دکارت» و «بیکن»، و از لحاظ علمی حاصل افکار «گالیله»، «کپلر»... هستند؛ در حوزه زیست‌شناسی «هرمن»، فیزیک «نیوتن»، در رشته روانشناسی «فروید» تحولات و تاثیرات بزرگی بر تغییرات جهانی ایجاد کرده‌اند. همه اینها دست‌آوردهای داشته‌اند که جهانشمول شده‌اند. طرفداران نظریه قدمت هنوز معتقدند که پدیده جهانی‌شدن، مرحله یا جریانی است که از قدیم شروع شده و اکنون شکلی جدیدی به خود گرفته و علت این شکل‌گیری نوین یا

1. Universalism

به عبارت دیگر موتور محرکه این تغییرات، در انکشاف فن آوری و ارتباطات نهفته است.

ب - نظریه دوم یا طرفداران نظریه جهانی شدن به حیث جریان جدید

جانبداران نظریه دوم به این باوراند که اگرچه جهانی شدن ریشه در مدرنیسم دارد، آنچه که یورگن هابرماس آن را «پروژه مدرنیته» می‌نامد، ولی فی نفسه یک جریان جدید است و دارای ریشه‌های تاریخی نیست. بنابراین مختصات آن هنوز در حال ارزیابی بوده و تعریف جامع و قانع از آن بدست نیامده است. ان گروه بر این باورند که پس از آغاز فرآیند مدرنیته و به ویژه از قرن ۱۶ به بعد، انقلابات متعددی در جهان به وقوع پیوسته که همه در دگرگون سازی و جدید سازی سیمای جهان نقش بارز داشته اند، و جریان جهانی شدن نیز از این دست است. این فراگرد یا این پدیده تاثیر فراوانی بر زندگی شخصی، اجتماعی، علمی، ملیتی... انسانها داشته و با دقت باید مورد بررسی قرار گیرد.

۳. شاخصهای جهانی شدن

جهانی شدن مفهومی است چند بعدی که ابعاد مختلف حیات انسانی از جمله ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را شامل می‌شود. بنابراین در یک معنای کلی می‌توان جهانی شدن را افزایش وابستگی متقابل اجزاء دور از هم (اعم از انسانها، کشورها، شرکتها و غیره) دانست. اما موضوع اصلی این است که چگونه می‌توان این سطوح وابستگی متقابل را اندازه‌گیری کرد و پیامدهای گوناگون آن را مورد ارزیابی قرار داد؟

بدون تردید ارائه پاسخ منطقی به اینگونه سوالات مستلزم در اختیار داشتن شاخص مناسب از جهانی شدن می‌باشد. تاکنون شاخصهای زیادی از جهانی شدن تعریف و ارائه گردیده است که برخی نسبتا جامع و مرکب از چندین شاخص فرعی و برخی دیگر شاخصهایی ساده می‌باشند. شاخصهای ارزیابی جهانی شدن توسط موسساتی مانند فارین پالیسی ۱، بنیاد هریتیج ۲، مؤسسه فریزر ۱ و مؤسسه

اقتصادی سوئیس (KOF) طراحی و معرفی شده‌اند. که در این مقاله به ارزیابی جهانی شدن بر اساس شاخص کوف می‌پردازیم.

۳-۱- شاخص جهانی شدن کوف:

شاخص جهانی شدن کوف در سال ۲۰۰۲ معرفی شد (درهر، ۲۰۰۶). این شاخص ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی شدن را می‌پوشاند. به دنبال او، کلارک و نای این شاخص جهانی شدن را فرایند پیدایش شبکه‌ای از پیوندها در میان بازیگران در مسافت‌های بین قاره‌ای تعریف کرده‌اند که از طریق تنوعی از جریانها شامل جمعیت، اطلاعات و افکار، سرمایه و کالا، تعدیل شده است. جهانی شدن به عنوان فرایندی مفهوم‌بندی شده شامل سه بخش زیر است جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن سیاست، جهانی شدن جامعه سه بخش کلی جهانی شدن در شاخص کوف هستند که هر کدام از آنها زیربخشهای متعدد دیگری نیز دارد که شرح آن در جدول پیوست ارائه می‌شود. (Dreher, 2006)

جدول ۱: مولفه‌ها و محورهای اصلی جهانی شدن بر اساس شاخص KOF

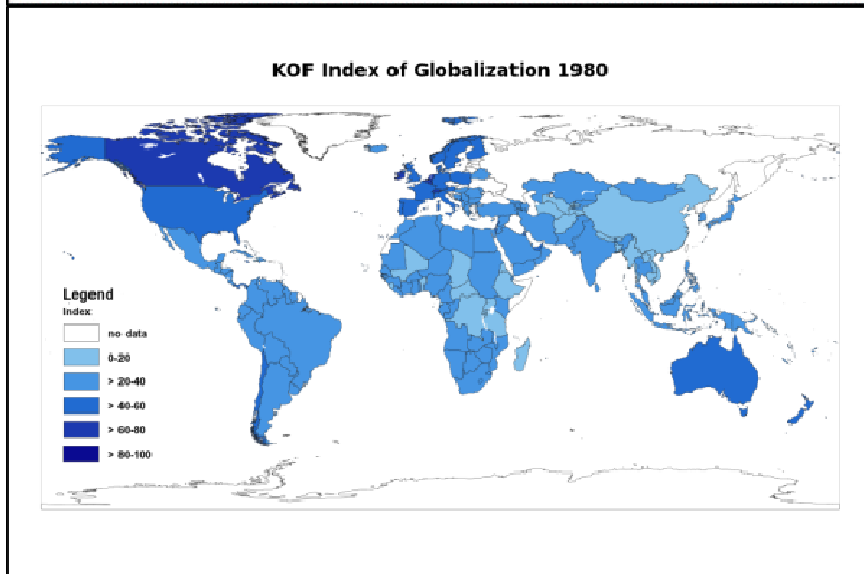
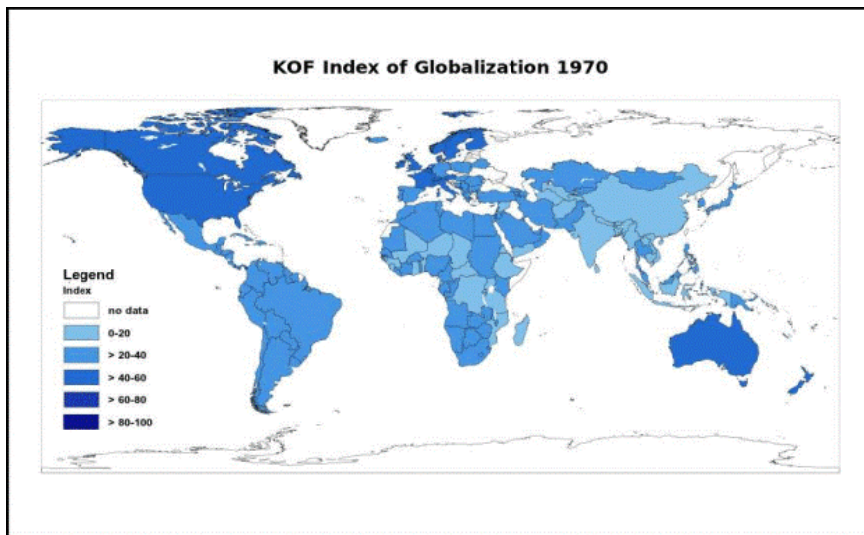
وزن	شاخصها و متغیرها
(37%)	جهانی شدن اقتصادی
(50%)	جریان واقعی
(19%)	تجارت (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(20%)	سرمایه گذاری مستقیم خارجی، جریان (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(24%)	سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سهام (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(17%)	سرمایه گذاریهای در اوراق بهادار (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(20%)	پرداخت درآمد به اتباع خارجی (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(50%)	محدودیت ها
(22%)	موانع واردات پنهان
(28%)	متوسط نرخ تعرفه
(27%)	مالیات بر تجارت بین‌المللی (درصد از درآمد فعلی)
(22%)	محدودیت حساب سرمایه
(39%)	جهانی شدن اجتماعی
(33%)	اطلاعات مربوط به تماس شخصی
(26%)	ترافیک تلفن

وزن	شاخصها و متغیرها
(3%)	نقل و انتقالات (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(26%)	گردشگری بین‌المللی
(20%)	جمعیت خارجی (از کل جمعیت)
(25%)	سرانه مکاتبات بین‌المللی
(36%)	اطلاعات مربوط به جریان اطلاعات
(36%)	استفاده کنندگان از اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر
(36%)	تعداد تلویزیون در هر ۱۰۰۰ نفر
(28%)	تجارت در روزنامه (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(31%)	داده‌ها در قرابت فرهنگی
(43%)	سرانه تعداد رستورانهای مک دونالد
(44%)	سرانه تعداد فروشگاههای IKEA (کمپانی تولید وسایل آماده مونتاژ منزل)
(12%)	تجارت در کتاب (درصد از تولید ناخالص داخلی)
(25%)	جهانی شدن سیاسی
(25%)	تعداد سفارت خانه‌ها در کشور
(28%)	عضویت در سازمانهای بین‌المللی
(22%)	مشارکت در ماموریت‌های سازمان ملل در شورای امنیت
(25%)	معاهدات بین‌المللی

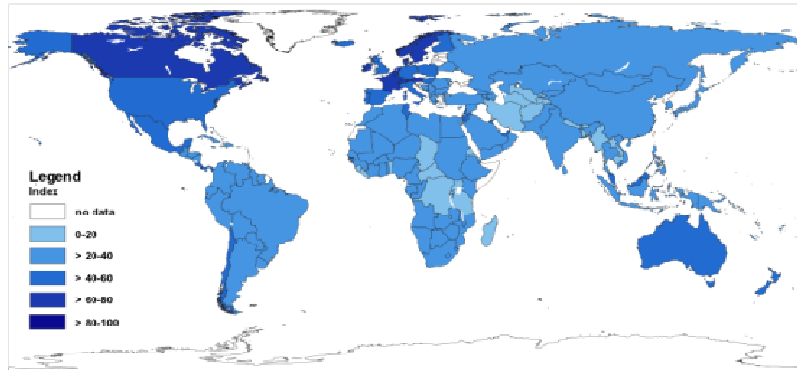
۴. ارزیابی شاخصهای جهانی شدن

بررسی جریان جهانی شدن در دنیا نشان می‌دهد این جریان از ۱۹۷۰ به این بعد به سرعت در دنیا گسترش یافته است. شکل ۱ به طور کامل نشان می‌دهد که این جریان ابتدا در امریکا، بخشهایی از اروپا و استرالیا حاکم شد و به تدریج در سالهای بعدی به سایر کشورها و مناطق جهان گسترش پیدا کرد. در دهه ۱۹۸۰ این جریان توانست تنها در بخشهای دیگری از اروپا سرایت کرده و مقاومتها در سایر کشورهای جهان همچنان ادامه داشت. از دهه ۱۹۹۰ بخشهای زیادی از آسیا بخصوص در جنوب شرق و شرق آسیا و بخشهایی عمده از افریقا تحت نفوذ جریان جهانی سازی قرار گرفت و از سال ۲۰۰۰ این روند در اکثر کشورهای جهان رشد کرد و تنها در منطقه خاورمیانه و مرکز افریقا چند کشور در مقابل جریان جهانی سازی مقاومت کردند که ایران از جمله آنهاست. شکل ۱ نشاندهنده این جریان و مسیر تحول آن در دنیا هستند.

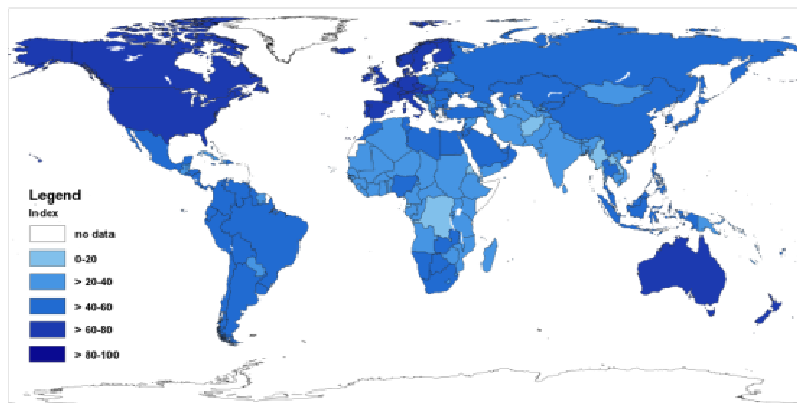
شکل ۱: جریان جهانی شدن از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۸ در جهان



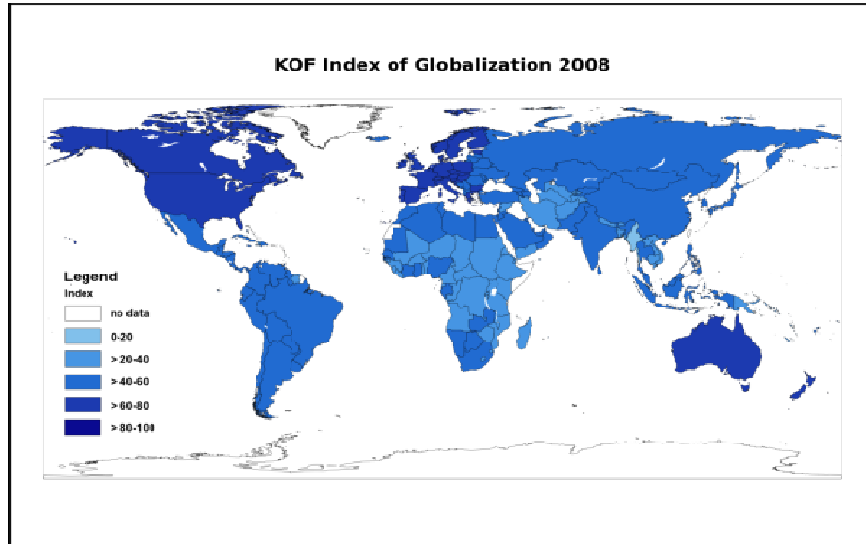
KOF Index of Globalization 1990



KOF Index of Globalization 2000



تحلیل جریان
جهانی شدن با
استفاده از
شاخص کوف در
ایران و مقایسه
با کشورهای
خاورمیانه



آمارهای موجود از کشورهای جهان و استفاده از چندین شاخص مختلف جهانی شدن حکایت از آن دارد که به طورکل، کشورها طی سه دهه گذشته به سوی در هم آمیزی و ادغام هر چه بیشتر در اقتصاد جهانی پیش رفته‌اند و فرایند جهانی شدن در غالب کشورها در حال وقوع است. مقادیر برخی از این شاخصها نشان می‌دهد که کشورمان با داشتن یکی از بسته‌ترین اقتصادها، از فرایند جهانی شدن بر کنار مانده و تقریباً در انتهای صف کشورها قرار گرفته است. البته روال این شاخصها در طول زمان و نیز مقدار شاخص نرخ درهم آمیزی تجاری کشورها در اقتصاد جهانی که نشان دهنده سرعت حرکت اقتصادها به سوی جهانی شدن است، حاکی از آن است که طی سالهای اخیر، ایران گامهایی هرچند کند و کوتاه در جهت جهانی تر شدن و ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی برداشته است.

۴-۱- روندهای جهانی شدن در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها

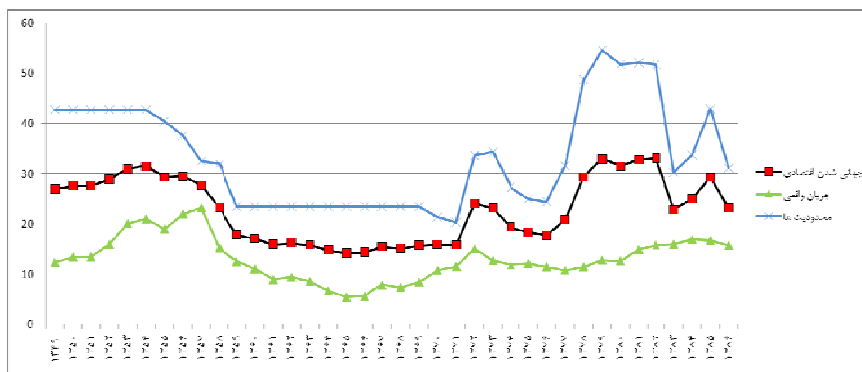
همانگونه که پیش از این بیان شد؛ شاخص KOF متشکل از ۲۲ سنجه ی اصلی ست که در قالب سه بخش کلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ساختار یافته است. از این رو در ادامه، بررسی روند جهانی شدن کشور، متناسب با ساختار یاد شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱- سیر جهانی شدن اقتصادی ایران

شاخص KOF در بررسی روند جهانی شدن اقتصادی، دو جریان اصلی را بررسی می‌کند. این شاخص با نگاهی بر روند تجارت، سرمایه گذاری‌های مستقیم داخلی و خارجی و همچنین درآمدهای پرداخت شده به اتباع خارجی تلاش می‌کند تا جریان واقعی و روند جاری همگام شدن اقتصاد هر سرزمین را با جریانات جهانی مورد سنجش قرار دهد. از دیگر سو، با پرداختن به موانع واردات، بررسی متوسط نرخ تعرفه ها، مالیات وارده بر تجارت بین‌المللی و محدودیت حساب سرمایه در راستای تحلیل محدودیت‌های اقتصادی مسیر جهانی شدن گام بر می‌دارد.

بررسی آمار و ارقام موجود سنججه‌های یاد شده، جریان واقعی همگام شدن اقتصاد ایران از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۶ با جریان جهانی شدن را می‌توان در پیوندی تنگاتنگ با تحولات شگرف سیاسی کشور و جهت گیری‌های سیاسی دولت‌های گوناگون حاکم بر این سرزمین پنداشت. نمودار شماره ۱ شمایی از افت و خیزهای جریان واقعی اقتصاد در دوران یاد شده می‌باشد.

نمودار شماره ۱: روند جهانی شدن اقتصادی ایران



افزایش پیوندهای سیاسی کشور در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی با دولت‌های غربی، چهار برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۳۵۲، هشت برابر شدن آن در سال ۱۳۵۳، روند رو به افزایش این بها در سال‌های آتی و افزایش صادرات این طلای سیاه به سایر کشورها، به بازگشایی درهای اقتصاد کشور رو به سوی اقتصاد جهانی منجر شد. همین امر، با افزایش سرمایه گذاری‌های ایران در بانک‌های جهانی،

افزایش سرمایه‌گذاری‌ها خارجی در بخش صنعت و ساختمان کشور همراه بوده و به شکل‌گیری روند صعودی جریان واقعی جهانی شدن اقتصادی ایران در این دوره منتج شده است.

رخداد انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ایران با نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به حکومت پیشین در سال ۱۳۵۷ به عنوان نقطه‌ی عطف تاریخ ایران به شمار می‌رود. پیشه کردن سیاست کاهش وابستگی‌ها و پیوندهای موجود به کشورهای غربی به روی برگرداندن کشورهای غربی از ایران، کاهش بها و میزان صادرات نفت در بازارهای جهانی همراه شد. از این تاریخ تا اواخر سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۹، تبعات ناشی از رخداد انقلاب و به دنبال آن جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۲، منجر به کاهش قیمت نفت، کاهش دادو ستدهای اقتصادی با سایر کشورها شد. از این رو کاهش بی سابقه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در درون کشور را می‌توان نتیجه‌ی این رخدادها پنداشت. با آغاز دوران سازندگی از سال ۱۳۶۹، نگاهی نو به روابط فراملی ایران صورت گرفت. اندک اندک تلاطم‌های سیاسی فروکش کرده و درهای اقتصاد کشور به سمت دنیای بیرون گشوده شد. از این رو افزایش بهای نفت، جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد مناطق آزاد تجاری-گمرکی به عنوان کانال‌های جذب سرمایه و افزایش صادرات، روحی تازه در اقتصاد کشور و روابط اقتصادی آن دمید. از این تاریخ شاهد روند صعودی جریان واقعی جهانی شدن اقتصاد کشور هستیم. همانگونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، این روند در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ شتابی بیشتر به خود گرفته است. با توجه به پیوند تنگاتنگ تعاملات تجارت خارجی با جریان‌های سیاسی کشور، روی کار آمدن دولت جدید با نگاهی تقابلی گرایانه نسبت به جهان غرب و افزایش تلاطم‌های سیاست خارجی کشور، تحریم‌های اقتصادی و به طور کلی کاهش صادرات و واردات روندی نزولی را برای این شاخص رقم زد.

در نگاهی کلان می‌توان از نمودار پیش رو این چنین برداشت نمود که هرچند، روند جریان واقعی پیش از انقلاب و پس از آن، هر دو سیری صعودی را پیشه کرده‌اند؛ اما تمایز مشهودی میان این دو جریان به چشم می‌خورد. مقدار ۲۳.۲۴ این شاخص در سال ۱۳۵۷ به عنوان بیشینه‌ی این مقدار در دوران پیش از وقوع انقلاب

و مقدار ۱۶.۹۶ در سال ۱۳۸۴ گویای سرعت متفاوت رشد این شاخص است. کمترین میزان این شاخص را می‌توان به سال ۱۳۶۵ (مقدار ۵.۵) نسبت داد. این مقدار که کمتر از یک چهارم این شاخص در سال ۱۳۵۷ و بحوجه ی نابسامانی‌های دوران جنگ تحمیلی است، خود نشان از بسته بودن شرایط اقتصادی کشور و تحریم‌های جهانی این دوران است. به طور کلی می‌توان به ترتیب بیشترین میزان شاخص اقتصادی KOF را به مقدار ۳۳.۱ در سال ۱۳۸۲، ۳۱.۴ در سال ۱۳۵۴، ۲۹.۳ در سال ۱۳۸۵ و ۲۴ در سال ۱۳۷۲ دانست.

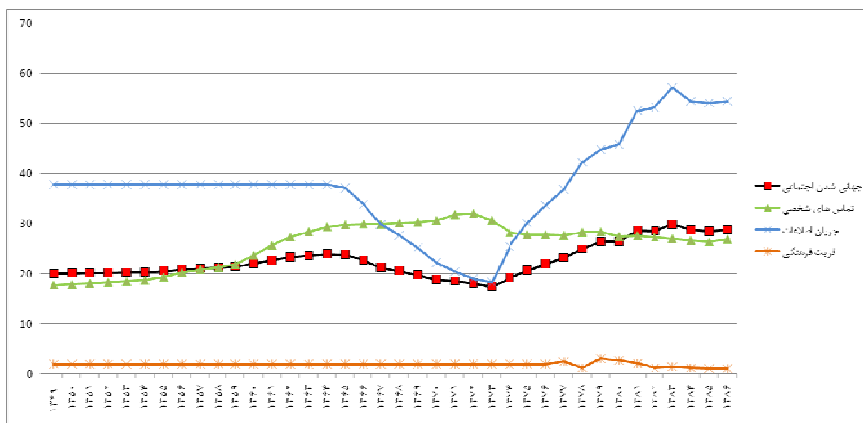
۴-۱-۲- سیر جهانی شدن اجتماعی ایران

شاخص KOF در راستای بررسی تحولات اجتماعی جهانی شدن هر کشور، بر میزان و چگونگی تماس‌های شخصی با خارج از کشور، داد و ستدهای اطلاعاتی فراملی و میزان قربات‌های فرهنگی هر سرزمین با دنیای ورای مرزهایش می‌پردازد. این سه جریان به صورت مکمل و همسو میزان همگام شدن شرایط اجتماعی هر مرز و بوم را با روند اجتماعی جهانی شدن نشان می‌دهند.

برآیند حاصل از در نظر گرفتن حجم و ترافیک تماس‌های فراملی، نقل و انتقالات، شمار گردشگران بین‌المللی، جمعیت خارجی و نهایتاً سرانه مکاتبات بین‌المللی، روند تحولات اجتماعی کشور را در راستای همپوندی با جریان اجتماعی برون مرزی آشکار می‌سازد. نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد روند تماس‌های شخصی در طی این دوره ی ۳۷ ساله افت و خیزهای قابل توجهی را تجربه نکرده و بالعکس می‌توان روند آهسته ی صعودی را برای آن متصور شد. پیمودن گستره‌ای میان رقم ۱۷.۷ در سال ۱۳۴۹ تا ۳۲ در سال ۱۳۷۲، خود، مبین این مدعاست. هرچند نمی‌توان سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۷۳ را که این سیر آهسته را با شتابی ناگهانی برهم زده، نادیده انگاشت. اما در مجموع می‌توان دیدگاهی نسبتاً یکسان و روندی رو به رشد را در دوران پس از انقلاب بر این شاخص متصور شد. شاید بتوان اوجگیری دوره‌ای سنجه ی تماس هاس شخصی را از میزان ۲۵.۷ در سال ۱۳۶۱ به ۳۲ در سال ۱۳۷۲ و باز افول و بازگشت به جریان آهسته ی پیشین با رقم ۲۸.۳ در سال ۱۳۷۴ را متاثر از دوره ی جنگ تحمیلی، تماس‌های ناشی از این

شرایط بحرانی در اوضاع مملکت دانست.

نمودار شماره ۲: روند جهانی شدن اجتماعی در ایران



نمودار شماره ۲ نوسان سنجه تبادل اطلاعات در ایران را میان مقدار ۳۷.۸ در سال ۱۳۴۹، کاسته شدن این شاخص به میزان ۱۸.۳۱ در سال ۱۳۷۳ و مجدداً افزون گردیدن آن به مقدار ۵۴.۴ را نشان می‌دهد. که این خود نوسانی قابل توجه و حاکی از ناهمسویی نگرش‌های حاکم بر این مرز و بوم نسبت بدین مقوله است. نکته‌ی جالب توجه در ارتباط با این نمودار ثابت بودن مقدار شاخص KOF در یک دوره‌ی ۱۴ ساله از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۴ بر مقدار ۳۷.۸ است. هرچند در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران این شاخص دست خوش نوسانات پرشماری شده است، اما نمی‌توان ثبات این شاخص را در سال‌های پیش از این رخداد، متأثر و برگرفته از نگرشی ثابت و گونه‌ای فرهیختگی بی‌مثال قلمداد کرد. همزمان با جنگ تحمیلی و تلاطم‌های اجتماعی متأثر از آن، به‌طور طبیعی بحث تبادلات اطلاعاتی و فرهنگی بین‌المللی در اولویت‌های واپسین قرار گرفت. هر چند در دوره‌ی سازندگی با توجه به خسارات و تخریب‌های ناشی از جنگ تحمیلی و تلاش دولت در راستای جبران خسارات وارده بیشتر بر مقوله‌ی ساخت و ساز، صنعت و بازیوندهای سیاسی تمرکز یافت و بدین مهم وقعی گذارده نشد. اما دولت هفتم و هشتم به‌مثابه پرچم‌دار مراودات اجتماعی-فرهنگی فراملی با شعار «گفتگوی تمدن‌ها» در میان دولت‌های حاکم بر کشور، این شاخص را به اوج خود رسانید. با وجود آنکه این میزان از سال ۱۳۸۴ به بعد رو به کاهش گذارد اما هرگز با شتابی که به اوج رسیده

بود، افت نکرد.

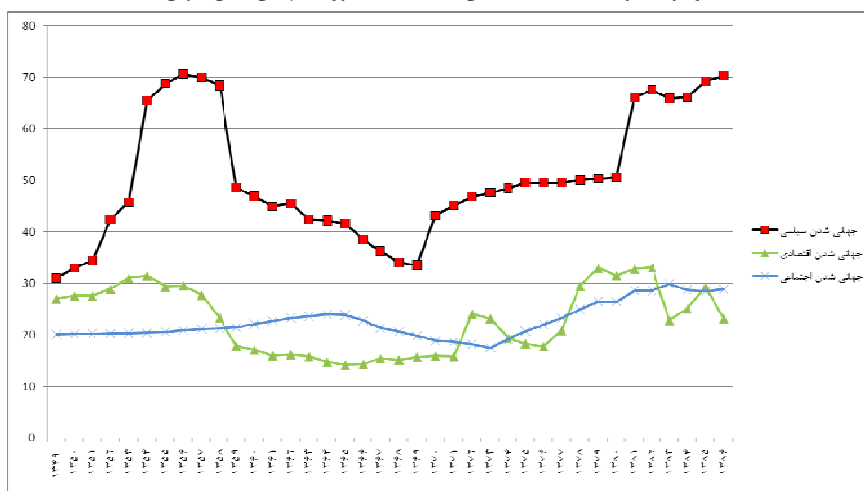
شاخص KOF در بحث قرابت‌های فرهنگی سنجه‌هایی همچون شمار رستوران‌های مک دونالد، فروشگاه‌های IKEA و تجارت کتاب را مد نظر قرار داده است. از این روست که نتایج چشم‌گیری از این شاخص در بررسی‌های صورت گرفته در ایران حاصل نشده است. این شاخص مابین بیشینه ی ۳ در سال ۱۳۷۹ و کمینه‌ای برابر با ۱.۶ در سال ۱۳۸۶ در نوسان است. با وجود این که تمایز میان این دو مقدار قابل توجه است، اما نخست می‌باید بدین نکته اشاره نمود که این نوسان دوره‌ای و تنها در ۹ سال متمادی صورت گرفته است. از سوی دیگر بیشینه این شاخص نسبت به سایر سنجه‌ها آنقدر ناچیز است که می‌توان به سادگی از آن چشم پوشی نمود. اوج این شاخص را در این دوره ی ۱۰ ساله از سال ۱۳۷۶-۱۳۸۶ می‌توان متاثر از رویکرد فرهنگگرایی فراملی دولت وقت و کاهش بی سابقه ی آن را متاثر از تلاطم‌های ناشی جنگ عراق و افغانستان و به دنبال آن، مطرح شدن جدل‌های جهانی بر سر انرژی هسته‌ای ایران و جهت‌گیری‌های دولت نهم در این راستا دانست. چراکه موارد یاد شده نگاه دنیا را نسبت به ایران و ایرانی دگرگون ساخته و چهره‌ای تروریستی برای این دو رقم زد. به طور طبیعی چنین چهره ی ناخوشایندی از میزان مراودات فرهنگی فراملی کشور به مراتب خواهد کاست. هرچند نباید از نظر دور داشت که نمودار حاضر علی‌رغم ناچیز بودن مقادیرش، خود گویای مغفول ماندن این مهم در نظر سیاستمداران و دولتمردان کشور تا پیش از سال ۱۳۷۷ است. و نکته ی دیگر آن که هرگز نباید از نظر دور داشت که ایران زمین، سرزمینی است با مردمانی درونگرا و فرهنگی در پيله مانده. درست است که سنجه‌های شاخص KOF در راستای سنجش میزان تبادلات فرهنگی کشور با جهان خارج از این مرزها، سنجه‌های شایسته و درستی به نظر نمی‌آیند، اما آنچه با توجه به ماهیت فرهنگی کشور می‌توان این چنین فرض کرد که تغییر سنجه‌ها و جایگزینی آنها با سنجه‌هایی دیگر دگرگونی شگرفی در روند این مهم نخواهد گذارد.

۴-۱-۳- سیر جهانی شدن سیاسی ایران

شاخص KOF در پی آن است تا با نگاهی بر شمار سفارت خانه‌های کشور، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، مشارکت در ماموریت‌های سازمان ملل و معاهدات بین‌المللی، به بررسی روند جهانی شدن سیاسی هر سرزمین پردازد. بیش از دو برابر شدن مقدار شاخص KOF در نمودار شماره ۲، به بیان دیگر نوسان این شاخص از مقدار ۳۱ در سال ۱۳۴۹ به ۷۰ در سال ۱۳۸۶ عمده‌ترین تحول شاخص جهانی شدن در عرصه سیاسی است. این شاخص از سال ۱۳۴۹ با افزایش وابستگی‌ها و تعاملات سیاسی به جهان غرب، به نرمی رو به فزونی گذارده، اما از سال ۱۳۵۳ شتاب می‌گیرد و در بحبوحه ی رخداد انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶-۵۷ به اوج خود به مقدار ۷۰ می‌رسد. پس از آن همدوره با سال‌ها آغازین حکومت جمهوری اسلامی و جنگ تحمیلی با همان شتاب از مقدار آن کاسته شده و مقدار ۳۳.۴ را در سال ۱۳۶۹، میزانی تقریباً برابر با آنچه از حرکت آغاز کرده بود را تجربه می‌کند. پس از آن در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶ موسوم به دوره ی سازندگی، توسعه اقتصادی در عین تضمین امنیت ملی اولویت یافته و برقراری پیوندهای سیاسی میان کشور با سایر دولت‌ها، به ویژه کشورهای همسایه از سر گرفته شد. همچنین می‌توان این دوران را به سان سرآغازی دگر بر همکاری‌های ایران با جهان اسلام پنداشت. گفتنی است که ایران در این دوره میزبان اجلاس سران کنفرانس اسلامی بوده است. همکاری‌های اقتصادی این کشور با سازمان اکو گسترش یافته و بر میزان همکاری‌های منطقه‌ای آن افزون گردیده است. بدین ترتیب شاخص جهانی شدن سیاسی در این دوره رو به رشد گذارده و با شتابی نسبتاً آهسته مجدداً به اوج خود (مقدار ۷۰) در سال ۱۳۸۶ نزدیک می‌گردد. نکته ی جالب توجه در این نمودار، تمایز آشکار میان اوج و فرود آن از یک سو و وجود دو نقطه ی اوج همسان با اختلاف زمانی ۳۰ است. سال‌های پایانی حکومت پهلوی، گسترش روابط سیاسی فی مابین دولت حاکم با سایر دولت‌ها و به دنبال آن تلاطم‌های دوره ی انقلاب اسلامی ایران، ایران را از منظر سیاسی در جهان مطرح ساخت. این تجربه بار دگر در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۴، با رویکردهای برون‌گرایانه ی دولت وقت، تلاطم‌های جنگ عراق و افغانستان به دنبال آن و در نهایت سیاست تقابل گرایانه

آن‌ها را با خود همگام ساخته و بدان‌ها سمت و سو داده است. البته همانگونه که پیش از این بیان شد، اقتصاد کشور با این جریان همسوتر بوده و دوشادوش آن دستخوش تغییر و تحول شده است. اما جریان اجتماعی ایران با توجه به پیوندهای عمیقی که عقاید و باورهای راستین و ریشه دار مردم این مرز و بوم خورده است، به سادگی دستخوش افت و خیز نشده و به نرمی ره پیموده است.

نمودار شماره ۴: مقایسه تطبیقی ابعاد سه گانه روند جهانی شدن ایران



بررسی موشکافانه ی جدول ۴، ما را به وادی واقعیات در قالب آمار و ارقام رهنمون می‌سازد. بدین گونه که بیشینه ی شاخص سیاسی KOF مقدار ۷۰ را نشان می‌دهد. که این رقم بیش از دو برابر بیشینه ی شاخص اقتصادی ۳۳.۱ و نزدیک به سه برابر بیشینه ی شاخص اجتماعی آن ۲۸.۷ است.

اما در مجموع می‌توان اوجگیری هر سه جریان را از سال ۱۳۷۷ به بعد شاهد بود. یکی از تناقض‌ها و ناهم‌سویی‌های این جریانات در سال‌های نزدیک به رخداد انقلاب اسلامی و هم‌زمان با جنگ تحمیلی است. چراکه جریان جهانی شدن سیاسی و اقتصادی کشور به صورت هم‌سو و در خلاف جهت با جریان اجتماعی جهانی شدن آن حرکت کرده است. درحالی که در دوره روند جهانی شدن سیاسی-اقتصادی ایران در یک دوره ی ۶ ساله از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ رو به فزونی می‌گذارد؛ جریان اجتماعی جهانی شدن کشور، در ثبات و به آهستگی ره می‌پیماید.

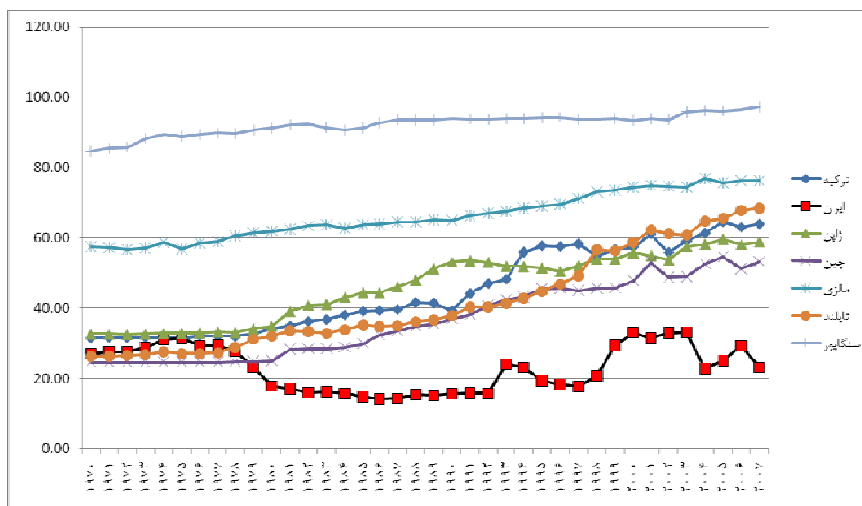
همین تناقض حرکت در دوره ی ۱۰ ساله ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ نیز مشاهده می‌شود. به گونه‌ای که در حالی که جریان جهانی شدن اقتصادی-سیاسی کشور به شدت افت می‌کند؛ جریان اجتماعی آن آشکارا رو به فزونی می‌گذارد.

۴-۳-نگاهی فراملی بر مقوله جهانی‌شدن ایران از دریچه ی شاخص KOF

در راستای درک حقیقی جهت‌گیری ایران نسبت به مقوله جهانی‌شدن، می‌باید پس از نگاهی اجمالی بر روند یاد شده در قالب لایه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از طریق شاخص KOF، گام فراتر نهاده و از ورای مرزهای کشور، بدین مهم بیاوریم. بی‌شک درک ژرف اندیشانه ی این مهم بدون مقایسه ی ایران با سایر کشورهای دیگر حاصل نخواهد شد. از این روست که هنگام داوری درباره ی چگونگی همگام شدن ایران با جریان جهانی‌شدن، این پرسش در ذهنمان شکل می‌گیرد، که به واقع تا چه میزان ایران در جریان جهانی سازی هضم شده است؟

در این راستا کشورهای عربستان، ترکیه، ژاپن، چین، مالزی، تایلند و سنگاپور، به عنوان کشورهای منتخب در نظر گرفته شده‌اند. نمودار شماره ۵ شمایی از بررسی آمار اقتصادی کشورهای یاد شده را نشان می‌دهد. آنچه در نگاه نخست به صورت آشکارا به چشم می‌خورد، تمایز شدید شرایط اقتصادی سنگاپور و مالزی به نسبت سایر کشورهای این پهنه است. روند جهانی‌شدن اقتصاد این دو کشور از ابتدا با تمام کشورهای آسیایی منتخب، متمایز و متفاوت بوده و این روند تا به انتها ادامه یافته است. روند آهسته و پیوسته ی طی شده در دو کشور یاد شده، آشکارا نگاهی ژرف اندیشانه و آینده نگر در این سرزمین‌ها را نسبت به پیوند با عرصه ی اقتصاد جهانی نشان می‌دهد. جالب آن که سایر کشورها در سال ۱۹۷۰ جهت‌گیری مشابهی نسبت به پیوند با عرصه ی جهانی داشته‌اند. این در حالی است که پس از سال ۱۹۷۸، سیر صعودی مشهودی را پی گرفته، در حالی که ایران در تلاطم‌های بین‌المللی مسیر متمایزی را پیموده است.

نمودار ۵: مقایسه تطبیقی روند جهانی شدن اقتصادی ایران با کشورهای آسیایی

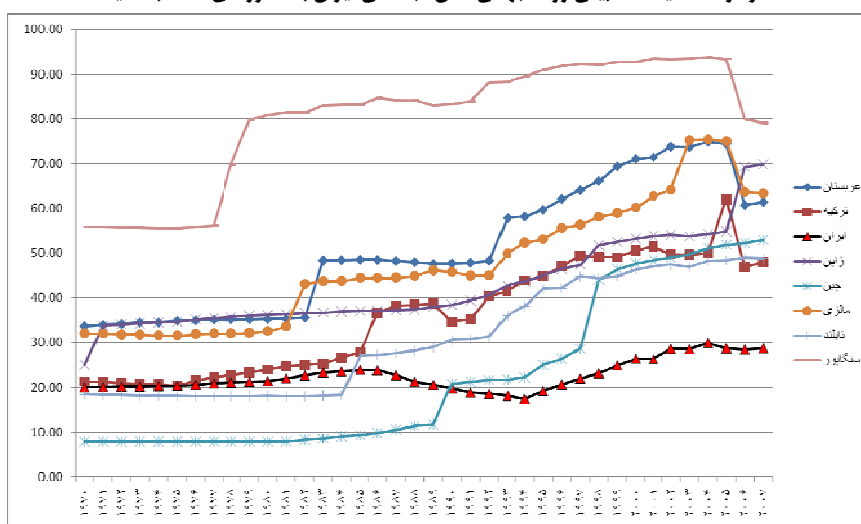


بدین ترتیب که در حالی که مقدار شاخص جهانی شدن اقتصادی کشورهای منتخب در دامنه‌ای میان دو رقم ۲۷ تا ۳۲.۵۹ در نوسان است؛ مقدار این شاخص در همین سال برای کشور مالزی مقدار ۵۷.۵۰ و برای کشور سنگاپور مقدار ۸۴.۷۵ را نشان می‌دهد. این روند تا به انتها ادامه می‌یابد به گونه‌ای که در سیری رو به رشد، تمامی کشورهای یاد شده در گستره‌ای با اختلاف اندک میان دو رقم ۵۳.۳۳ تا ۶۸.۴۱ در سال ۲۰۰۷ قرار می‌گیرند. تنها ایران از این جریان جدا افتاده و روندی رو به نزول را پی گرفته است. در صورت چشم پوشی از سنگاپور و مالزی، می‌توان این چنین پنداشت که روند معمول و متداول جهانی شدن اقتصادی در آسیا در سال ۲۰۰۷، ۲.۹ برابر همین مقدار در ایران است. این در حالی است که جهانی شدن ایده آل اقتصادی در این پهنه، ۴ برابر بیشتر از این مهم در ایران است.

مطابق با نمودار شماره ۶ همگرایی و نزدیکی میان کشورهای آسیایی در جهانی شدن اجتماعی آن‌ها در طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ به چشم می‌خورد. اما هر چه به سمت سال ۲۰۰۷ پیش می‌رویم، بر میزان این همگرایی افزون می‌گردد. تنها کشور سنگاپور است که همچنان در ورای روند جاری، با اختلاف بسیار نسبت به سایر کشورها همگام با جریان جهانی سازی طی طریق می‌کند. در این میان ایران با سایر کشورها همگام نشده و بصورت مستقل هویت و فرهنگ خود را حفظ کرده

است اما در نگاهی کلی می‌توان برای کلیه کشورهای یاد شده، سیر صعودی در هضم شدن در جریان جهانی سازی اجتماعی را متصور شد.

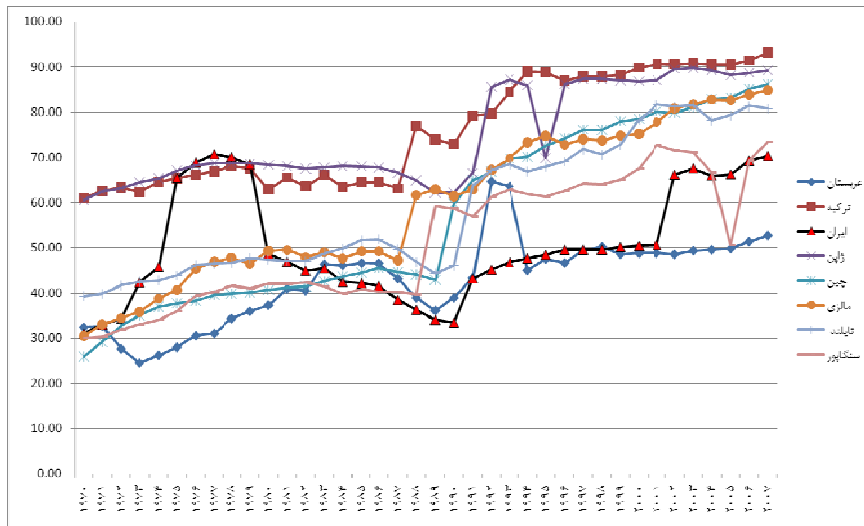
نمودار ۶: مقایسه تطبیقی روند جهانی شدن اجتماعی ایران با کشورهای منتخب آسیا



چنانچه سنگاپور را با توجه به تفاوت آشکار آن با سایر کشورها نادیده بداریم؛ شاخص جهانی شدن اجتماعی در آسیا در سال ۱۹۷۰ میان رقم ۷.۸۲ تا ۳۳.۶۹ در نوسان است. این در حالی است شاخص یاد شده، در که سال ۲۰۰۷ در گستره‌ای مابین رقم ۴۷.۹۶ تا ۶۹.۸۴ متمرکز می‌شود.

نکته جالب توجه در جهت‌گیری کشورهای آسیایی در راستای همپوندی با عرصه ی سیاسی جهانی، آن است که شکاف‌ها و گسست‌های مشهود در دو بعد پیشین در این بخش مشاهده نمی‌شود. حرکت کلیه ی کشورهای صعودی و با نوسان‌های بسیاری همراه است. کشور سنگاپور که در حرکت به سمت پیوند با عرصه جهانی در حوزه اقتصادی و اجتماعی پیشگام بود، در بعد سیاسی هم مرتبه با ایران قرار می‌گیرد. در روند جهانی شدن سیاسی کشورهای آسیایی در سال ۲۰۰۷ کشورهای ترکیه، ژاپن، چین، مالزی و تایلند در اوج قرار گرفته، در مرتبه ی بعد ایران و سنگاپور و در نهایت عربستان جایگاه آخر را به خود اختصاص می‌دهد. با وجود آن که ایران در عرصه ی جهانی شدن سیاسی نوسان‌های بسیاری را متحمل شده، از سال ۲۰۰۰ جهش زیادی داشته است.

نمودار ۷: مقایسه تطبیقی روند جهانی شدن سیاسی ایران با کشورهای آسیایی



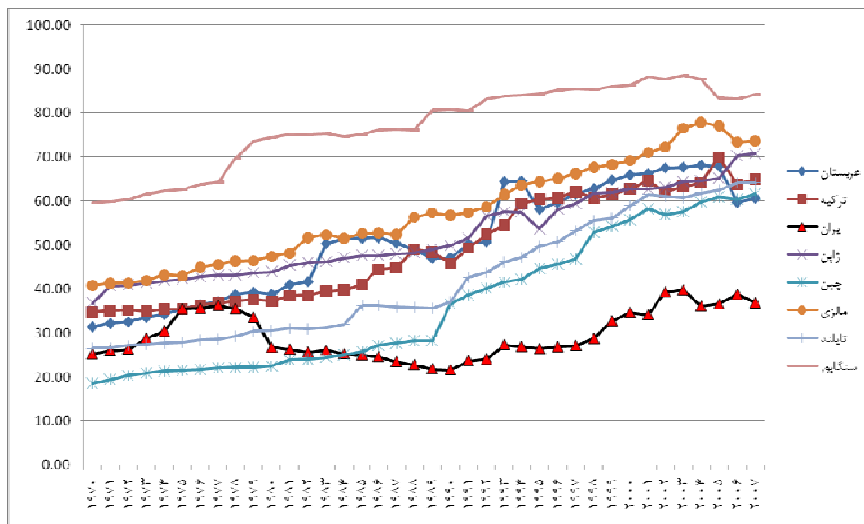
در کل می‌توان روند صعودی مشهودی را در کشورهای آسیایی در راستای پیوند به عرصه ی جهانی در نظر گرفت. اما در میان کشورهای یاد شده، ایران، سرزمینی است که در این جریان، در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ در بالاترین مرتبه قرار داشته در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲ در پایین‌ترین جایگاه و در ۲۰۰۷ در میانه ی مسیر. رقم ۷۰.۲۹ شاخص KOF در سال ۲۰۰۷ نشان از آن است که مقدار شاخص ایران در سال ۲۰۰۷، برابر بالاترین مقدار این شاخص در آسیا است.

در مجموع از بررسی لایه‌های سه گانه یاد شده می‌توان این چنین پنداشت که در آسیا روند جهانی شدن سیاسی به مراتب در جایگاه بالاتری قرار دارد. پس از آن کشورهای یاد شده از بعد اقتصادی به طرز چشم گیرتری هضم جریان جهانی سازی شده‌اند. ایران در بخش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بصورت مستقل عمل کرده و در برابر جریان جهانی سازی مقاومت کرده است.

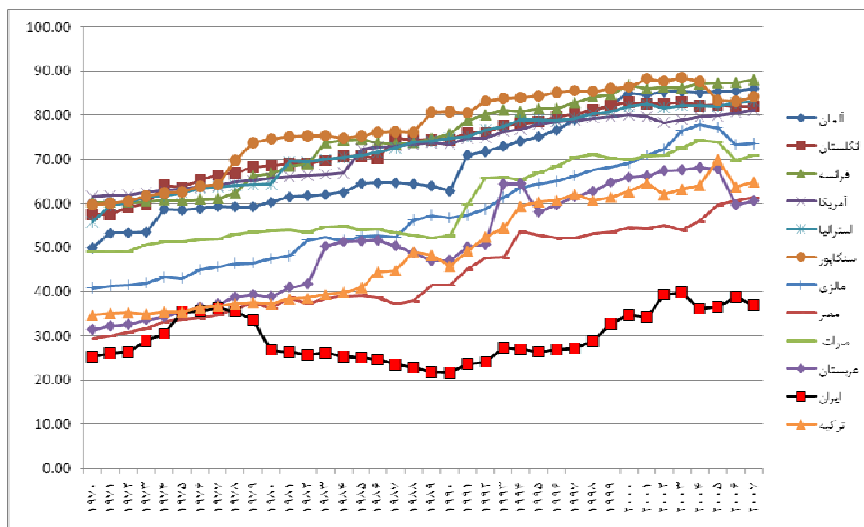
۵- نتیجه گیری، تحلیل کلان و سیاستگذاری راهبردی

برآیند حاصل از سه جریان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهانی شدن، روند جهانی شدن و جهانی سازی شده هر منطقه و کشور را بازگو می‌کند.

نمودار ۹: روند جهانی شدن در آسیا



نمودار ۱۰: روند جهانی شدن در جهان



ماخذ: نگارنده

مقدار تفاضل شاخص جهانی شدن ایران از بالاترین مقدار همین شاخص در سال ۲۰۰۷ در گستره‌های متفاوت از رقم ۳۶ خاورمیانه، به ۴۱ آسیا و نهایتاً به ۵۱ جهان تغییر یافته است. این خود نشان از آن است که هرچه ایران در گستره‌ی وسیع‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد روند جهانی شدن آن آهسته‌تر به نظر می‌آید.

کتابنامه

کتاب و مقالات (فارسی)

- اخوان زنجانی، داریوش، ۱۳۸۱، جهانی شدن و سیاست خارجی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد اول، تهران
- ادواردز، سباستین، ۱۳۷۸، سیاست تجاری، رشد و توزیع درآمد، ترجمه شاپور محمدی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۳
- اونز، پیتر، ۱۳۸۰، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۳۰.
- ایمانی راد، مرتضی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی شاخص جهانی شدن، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۹
- بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۸۰، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی
- بهکیش و پرهیزگار، ۱۳۷۹، چگونگی محاسبه تعرفه معادل در حذف موانع غیر تعرفه‌ای و یکسان سازی حمایتها، مجله برنامه و بودجه ۵۷ - ۵۶.
- بیگدلی، علی، ۱۳۸۰، جهانی شدن و امنیت ملی ایران، فصل‌نامه امنیت، شماره ۲۲، ۲۱، ص ۹-۳.
- جانسون و هولمز و پاتریک، (۱۳۷۹). شاخص اقتصادی سال ۱۹۹۹، ترجمه محمد ابراهیم امین، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۸.
- جعفری صمیمی، احمد و حسن زاده (۱۳۸۰)، «اثر مالیات بر رشد اقتصادی: مروری بر تحلیل‌های نظری و تجربی»، پژوهشهای اقتصادی، سال اول. ش. ۲، صص. ۴۱-۶۷.
- جعفری، اصغر، ۱۳۸۰، جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال نهم: شماره ۲۰، صص ۱۵۷-۱۳۹.
- دادگر، یدالله، و علی اکبرناجی، ۱۳۸۲، شاخصهای جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۲۹
- دادگر، یداله، (۱۳۷۹). جهانی شدن اقتصاد و موضع ما، هفته نامه عصرما، ۱۵، ۲۳ و ۲۹ بهمن.
- دلار، دیوید، (۱۳۷۱) اقتصادهای در حال توسعه برون‌گرا واقعا سریعتر رشد می‌کنند، شواهدی از ۹۵ کشور در حال توسعه، ۱۹۷۶-۱۹۸۵، ترجمه یداله ابراهیمی فر، گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۱۳۰.
- رابرتسون، رونالد، ۱۳۸۰، جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال یولادی نشر

ثالث، ج اول، تهران

سالواتوره و دیگران (۱۳۷۵)، گات و نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، ترجمه احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

سجادپور، محمدکاظم، ۱۳۷۹، جهانی‌شدن و امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۵۳۹-۵۵۵.

سلیمانی، علی‌رضا، ۱۳۸۰، جهانی‌شدن و رابطه آن با اقتدار ملی، فصل‌نامه مصباح، شماره ۳۷ (بهار ۱۳۸۰) ص ۳۳-۵۵.

سزجی. هام‌لنیک، ۱۳۸۵، فصلنامه مطالعات راهبردی؛ جهانی‌شدن و امنیت ملی شماره ۳، شماره مسلسل ۱۳

طیب نیا، علی، و رضوان زندیه، ۱۳۸۸، اثرات فرایندی جهانی‌شدن بر تورم در ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۸، صفحات ۹۶-۵۳

فاخری، مهدی، ۱۳۷۹، جهانی‌شدن و سیاست خارجی، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۹) ص ۵۵۵-۵۷۷.

قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۱)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر نی

کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۵، جهانی‌شدن، فرهنگ و سیاست، نشر مرکز، ج اول، تهران

کندی، پل، ۱۳۷۰، پیدایش و فروپاشی قدرت‌های بزرگ، ترجمه عبدالرضا غفرانی، انتشارات اطلاعات، تهران

گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، نشر نی، ج اول، تهران

گیلن، مائورو، (۱۳۸۰) جهانی‌شدن: تمدن‌ساز، مخرب یا ناتوان، ترجمه محمود دیبایی، ماهنامه آفتاب، شماره دوازدهم (بهمن ۱۳۸۰) ص ۲۶-۳۳.

مارکوزه، هربرت، ۱۳۵۹، انسان تک ساختی، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، نشر پایان.

متوسلی، محمود (۱۳۸۰)، سیاستهای تجاری و توسعه اقتصادی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

محمدی. منوچهر، ۱۳۶۶، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۳۵-۴۵.

مرتضوی، حسن، ۱۳۸۳، فیل بی اخلاق- جهانی‌شدن و مبارزه برای عدالت اجتماعی- نشر دیگر- چاپ اول

نجیمی بهرمان، فیاض، ۲۰۰۸، گلوبالیسم یا جهانی‌شدن، سایت www.aftabir.com

نش، کیت، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، ج اول، تهران

نصیری، محمد، ۱۳۸۶، جهانی‌شدن و خانواده، مجله پیوند، انجمن اولیاء و مربیان، وزارت آموزش و پرورش

نیکسون، ریچارد، ۱۹۹۹، پیروزی بدون جنگ، ترجمه فریدون دولت‌شاهری (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱)، ص ۳۴۸-۳۶۸.

هرمیداس باوند، داوود، ۱۳۸۰، جهانی‌شدن و امنیت ملی ایران، فصل‌نامه امنیت، سال پنجم، شماره

۲۴ و ۲۳ (خرداد و تیر ۱۳۸۰) ص ۹-۴.

هودشتیان، عطا، (۱۳۸۱)، مدرنیته، جهانی‌شدن و ایران، تهران، چاپخس،
واترز، مالکوم، (۱۳۷۹)، جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، سازمان
مدیریت صنعتی.

وادیلین، جین، (۱۳۸۱)، کلیسا و سیاست در امریکای لاتین، مذهب کاتولیک در برابر چالش‌های
معاصر، دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، تهران، پژوهشکده مطالعات
راهبردی، ۲۸۰-۲۴۳.

کتاب و مقالات (انگلیسی)

Bird, A., Stevens, M.J., 2003. Toward an emergent global culture and the effects of
globalization on obsolescing national cultures. J. Internat. Manag. 9, 395-407.

Chow,P.(1987),”Causality between Export Growth and Industrial Development”,Journal
of Development

Clark, T., Knowles, L.L., 2003. Global myopia: globalization theory in international
business. J. Internat. Manag. 9, 361-372.

Clark, William C., 2000, Environmental Globalization, in: Joseph S. Nye and John D.
Donahue (eds.), Governance in a Globalizing World, Brookings Institution
Press, Washington, D.C.: 86-108.

Dollar , David ;(1992). “Outward – Oriented Developing economics Really Do Grow
More Rapidly: Evidences from 95 LDCs ; 1976 – 1985 “ ; Economic
Development and Cultural Change; pp 523 –544

_____ (1992). “Outward – Oriented Developing economics Really Do Grow
More Rapidly: Evidences from 95 LDCs ; 1976 – 1985 “ ; Economic
Development and Cultural Change; pp 523 –544

Dollar and Kraay (2001),”Trade. Growth and poverty”,
<<http://www.worldbank.org/research>>

Dreher, Axel; Noel Gaston and Pim Martens, (2008), Measuring Globalization Gauging
its onsequence, New York: Springer, Economics, Vol. 26, No.1

_____, Measuring Globalization - Gauging its Consequence, New York:
Springer.

Dreher, Axel, (2006), Does Globalization Affect Growth? Empirical Evidence from a new
Index, Applied Economics 38, 10: 1091-1110

_____, Does Globalization Affect Growth? Evidence from a new Index of
Globalization, Applied Economics 38, 10: 1091-1110.

- Kluver, Randy and Wayne Fu, 2004, Measuring cultural globalization, Nanyang Technological University, Singapore, mimeo.
- Ralston, D.A., Van Thang, N., Napier, N.K., 1999. A comparative study of the work values of North and South Vietnamese managers. *J. Int. Bus. Stud.* 30 (4), 655–672.
- Rao, J., Mohan (1998). "Openness, Poverty and Inequality"; Back Ground Paper Prepared for the Human Development Report (1999); New York; UNDP; May. Available at <http://www.fao.org/es/seminar/mohanrao.pdf>
- Rebelo (1991), "Long – Run Policy Analysis and Long – Run Growth", *J. of Political Economy*, No. 99
- Ricks, D.A., 2003. Globalization and the role of the global corporation. *J. Internat. Manag.* 9, 355–359.
- _____ Toyne, B., Martinez, Z., 1990. Recent developments in international management research. *J. Manage.* 16 (2), 219–253.
- Rosendorf, Neal M., 2000, Social and Cultural Globalization: Concepts, History, and America's Role, in: Joseph S. Nye and John D. Donahue (eds.), *Governance in a Globalizing World*, Brookings Institution Press, Washington, D.C.: 109-134.
- Scholte, Jan Aart (2000). *Globalization: A Critical Introduction*; U.S.A; ST.Martin's press inc.
- UNCTAD, 2010, UNCTADstat, <http://unctadstat.unctad.org>.
- UNDP (1999). *Human Development Report Economic*
- UNESCO, various years, *Statistical Yearbook*.
- United Nations Commodity Trade Statistics Database, 2010, <http://comtrade.un.org/>.
- United Nations Department of Peacekeeping Operations, <http://www.un.org/Depts/dpko/dpko/contributors/>.
- United Nations Treaties Collection, <http://treaties.un.org>.
- Universal Postal Union, Postal Statistics data base, <http://www.upu.int>.
- World Bank, 2010, *World Development Indicators*, Washington, DC
- www.atkearney.com
- www.foreignpolicy.com

